

اتحاد شکننده

قادر بخش جمالزهی

بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی فرموده است: «جمهوری اسلامی می خواهد مطلبی را که قرآن و رسول خدا صلی الله علیه و سلم فرموده است در همه کشورهای پیاده کند و ایران مقدمه آن است می خواهد به همه کشورهای بفهماند که اسلام بنایش برابری، برادری و وحدت است و همه مسلمین بد واحد هستند در مقابل دیگران، ما می خواهیم به همه دنیا بفهمانیم که اسلام دین وحدت است. آنهایی که می خواهند ایجاد تفرقه کنند نه اهل سنت هستند و نه اهل تشیع، آنها کسانی هستند که کارگردانان دولت های ابر قدرت هستند و در خدمت آنها هستند.»

مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی با تأکید به تدوین منشور وحدت اسلامی یکی از الزامات بسیار مهم برای ادامه حرکت عمیق امت اسلامی به سمت پیروزی راه اتحاد و انسجام اسلامی بر شمرند و فرمودند: «سیاست جبهه استکبار، ایجاد اختلاف و نزاع قومی و مذهبی میان مسلمانان است که برای مقابله با آن باید وحدت و انسجام میان امت اسلامی تقویت شود و بر همین اساس، امسال، سال اتحاد ملی و انسجام اسلامی نام گذاری شده است.» ایشان کج فهمی، توهمات غلط، سوء تفاهم و بی اطلاعی از مبانی صحیح تفکرات یکدیگر را از موانع اصلی اتحاد دانستند و با اشاره به نقش دولت های اسلامی و علمای اسلام و زمینه سازی برای وحدت و انسجام اسلامی فرمودند: «تدوین منشور وحدت اسلامی به همت علمای اسلام، ضرورت و مطالبه ای تاریخی است که اگر امروز به این وظیفه عمل نشود، نسل های بعدی ما را مؤاخذه خواهند کرد. در شرایطی که دنیای استکبار سعی در تخریب چهره مسلمانان دارد و بیداری اسلامی در میان شیعه و سنی را برای خود خطر می داند و آن را چه با نام حماس و چه به نام حزب الله لبنان آماج حمله قرار می دهد، آیا عاقلانه است که مسلمانان درگیر نزاع قومی و مذهبی شوند و دشمن مشترک خود را فراموش کنند؟»^۱

همچنین مقام معظم رهبری در خطبه های نماز عید فطر و در دیدار اخیر با دانشجویان بر ضرورت تسامح، مدارا و سعه صدر تأکید کردند و نیز بیانات مهمی در خصوص اقوام و مذاهب ایراد فرمودند که بدون تردید رسانه ملی و برخی تریبونها مخاطبان اصلی آن بیانات ارزنده

ملت بزرگ، فهیم و هوشمند ایران که برای استقبال از بیست و نهمین سالگرد پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی و گرامیداشت سی امین بهار آزادی، خود را آماده می کند، پس از گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب انتظار دارد که همانند ایران باستان نسبت به تقویت عرق ملی و اتحاد و هویت ملی از هیچگونه کوششی دریغ نگردد و بلکه از کوچکترین فرصت ها نهایت بهره برداری در خصوص اتحاد عملی ملت بزرگ ایران صورت پذیرد. خصلت تکثرگرایی امپراتوری ایران باستان به گونه ای بود که کشور ایران در ۲۵۰۰ سال پیش بر پایه احترام به حقوق اقلیت های قومی، زبانی و مذهبی اداره می شد. استوانه های بر جا مانده از آن زمان، بهترین مصداق عینی آن راه و روش مدبرانه کشورداری در ایران باستان است که هنوز زبانزد همه ملل دنیای باشد. پژوهشگر و تاریخ نگار قرن بیستم، آرنولد توین بی، شیوه حکومت داری هخامنشی ها را نخستین سازمان ملل در جهان نامیده است. کوروش در آخرین لحظات عمرش به فرزندانش این چنین وصیت کرد: «پیش از من وطن ایالت گمنامی در آسیا بود و اکنون که می روم ملکه آسیا است. اگر اعمال شما پاک و موافق عدالت باشد، نفوذ و اقتدار شما قوت خواهد یافت، ولی اگر در این خیال باشید که به یکدیگر زیان برسانید اعتماد مردم را کاملاً از دست خواهید داد. واقعاً چه کسی است که به بهترین حسن نیت بتواند به شما اطمینان بدارد در صورتی که ببیند که شما بی عدالتید؟!»^۲

اما اینکه که تمام آموزه های قرآنی و دینی، مواد صریح قانون اساسی به عنوان میثاق ملی ایرانیان، فرامین رهبر فقید انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی، رهنمودهای مقام معظم رهبری و شعارهای عدالت محوری و مهرورزی رئیس جمهور، به وحدت و اتحاد ملی و انسجام اسلامی تأکید می ورزند، چرا اتحاد ملی شکننده شده است؟ قرآن می گوید: «و اعتصموا بحبل الله جميعاً ولا تفرقوا»؛ همگی به ریسمان خدا چنگ بزنید و متفرق نشوید. حضرت علی رضی الله عنه می فرماید: «ای مردم! امواج کوه پیکر فتنه ها را توسط کشتی های نجات (علم، ایمان و اتحاد) در هم شکنید و از اختلاف و پراکندگی بپرهیزید، تا تاج تفاخر و برتری جویی بر سر نهد.»^۳

می باشند.

اما با این وجود رسانه ملی هر از گاهی با پخش برنامه های مختلف اعم از فیلم، سریال و مصاحبه های حساسیت برانگیز و اختلاف انگیز احساسات اقوام و مذاهب مختلف ایرانی را تحریک می نماید.

عزیزی می گفت: موج رادیو را که رسانه ای ملی است باز کردم. برنامه رهیافتگان را پخش می کرد و با افرادی که به عنوان تحصیل به قم می آیند و ادعا می کنند که سنی بوده و شیعه شده اند، مصاحبه و گفت و گو داشت. یا اینکه برنامه هایی در ماه مبارک طی چند شب متوالی از شبکه ۳ سیمای جمهوری اسلامی ایران به صورت مصاحبه و گفت و گو با برخی از کسانی که ادعا می کردند قبلاً سنی بوده و اینک به اصطلاح نور هدایت را دریافت کرده و مذهب تشیع را برگزیده اند، پخش شد.

آیا پخش چنین برنامه هایی اتحاد ملی و انسجام اسلامی را تقویت می کند یا اینکه موجبات ناپایداری و شکننده بودن اتحاد ملی و انسجام اسلامی را فراهم می کند؟ و آیا پخش اینگونه برنامه های حساسیت برانگیز در بردارنده و تأمین کننده منافع جمهوری اسلامی است یا اینکه آب در آسیاب دشمن ریختن است و شکاف های قومی - مذهبی را دامن می زند و آنها را تشدید می کند؟

اینک این پرسش مطرح می گردد که چرا صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران با پخش چنین برنامه های حساسیت برانگیزی آب در آسیاب دشمن می ریزد؟ این در حالی است که برخی از تحلیلگران عمق تغییر مسیر و یا تغییر استراتژی امریکا از طرح خاورمیانه جدید به «استراتژی شکاف بین امت اسلامی را قابل مقایسه با جابجایی یک دریا می دانند»، و مارتین اندیک، مقام ارشد وزارت خارجه دولت کلینتون و سفیر پیشین امریکا در اسرائیل، گفته است: «خاورمیانه در حال نزدیک شدن به جنگ سرد جدی میان شیعیان و سنی ها است.»^(۳)

قطعاً اتحاد امت اسلامی زمانی مستحکم تر خواهد گردید که همکاری های صادقانه و فعالانه کشورهای اسلامی را با یکدیگر به دنبال داشته باشد و همچنین حکومت های اسلامی و دولتمردان کشورهای اسلامی، اقلیت های مذهبی شان را بدون اعمال هرگونه تبعیض و فقط بر اساس معیارهای شایستگی و توانمندی در ارکان حکومت هایشان مشارکت دهند و به اعتقادات و باورهای مذهبی اقلیت های مذهبی شان با دیده احترام بنگرند.

نظرات یک کارگزار دلسوز دولت گذشته در سیستان و بلوچستان تصویری از منحنی رو به نزول و رو به تضعیف پایه های اتحاد ملی و انسجام اسلامی را برای خوانندگان گرامی این گونه ترسیم می کند: «علی رغم دیدگاه اصولی مراجع شیعه همچون مرحوم آیت الله العظمی بروجردی در تقریب بین مذاهب و تداوم این دیدگاه در دوران انقلاب اسلامی بویژه ترویج وحدت مسلمین توسط رهبر کبیر انقلاب اسلامی و اختصاص هفته ای به نام «هفته وحدت» در آغاز جمهوری اسلامی که می رفت تضادهای گذشته را فراموش و وحدت مذاهب را نهادینه کند اما به تدریج این نگرش کم رنگ تر و نوعی تفکر افراطی که وحدت شیعه و سنی را برنمی تافت در سطح تعدادی از حوزه ها و در لایه هایی از مراکز تصمیم گیری کشور غالب شد. این تفکر تندروی ضد وحدت پس از پایان جنگ عراق علیه ایران تشدید شد و به تدریج شکل رسمی و علنی پیدا کرد و تعدد در مناطق سنی نشین ترویج شد. چاپ و نشر کتابهایی که متعرض مقدسات برادران سنی بود، گسترش پیدا کرد.

نمونه آن پخش چنین کتابهایی در نمایشگاه کتاب زاهدان و برخورد نامناسب با معترضان به آن بود. اعزام مبلغان جوان و کم اطلاع به استان سیستان و بلوچستان و دامن زدن به اختلافات به صورت موج گسترده ای در سالهای پس از جنگ در آمده است. سوء استفاده قدرت طلبان و متعصبان قومی از مذهب تشیع، مزید بر علت می باشد. عده ای باتیبه و پخش گزارش های دروغ یا غلط، بر نگرانی مسئولان کشوری و علمای دینی بسیار بیشتر از آنچه که هست می افزایند و این گونه وانمود می کنند که اگر سیادت این عده حفظ نشود، استان و تشیع از بین می روند.»^(۴)

متأسفانه تندروان قومی مذهبی در سیستان و بلوچستان در خصوص ارسال و پخش گزارش های دروغ و کذب و انعکاس تصویری نادرست از استان به مراجع دینی شیعه در قم و مسئولان کشوری، ایجاد ذهنیت می نمایند. در این ارتباط بخشی از سخنان آیت الله مکارم شیرازی، قابل توجه است: «پاره ای سوء تفاهم ها و شایعات کمی فضای مناسبات را تاریک ساخته از جمله اینکه معروف است که برادران اهل سنت نه تنها مسئله کنترل جمعیت را رعایت نمی کنند، بلکه عکس آن را انجام می دهند تا بافت جمعیت تغییر کند و اینکه زمین ها و مغازه هایی را در شهرها و بازارهای سیستان و بلوچستان از شیعیان خریداری می کنند تا آنها را به ضعف بکشاند و یا اینکه کمک های هنگفتی از وهابیون حجاز و خلیج فارس برای تبلیغات ضد شیعه به مناطق اهل سنت فرستاده می شود که نشریاتی از آنجا تاکنون به دست ما رسیده است. اینجانب نمی گویم این مطالب عین واقعیت است بلکه عرض می کنم فضا را کمی تاریک و مشوب به سوء ظن کرده و مانع تفاهم لازم می شود. به این امید که در آینده این موانع برطرف گردد و اعتماد کامل حاصل شود و خواسته برادران (اهل سنت) صورت پذیرد.»^(۵)

پرسش این است که این گزارش نویسان که حتی توانسته اند در مراجع دینی شیعه ایجاد ذهنیت بکنند، توسط چه لایه هایی از نظام تقویت و پشتیبانی می گردند؟! آیا اینگونه موارد از مصادیق تضعیف و سیر نزولی اتحاد ملی و انسجام اسلامی ارزیابی نمی گردد؟ و در نهایت خسارات جبران ناپذیری را به دنبال نخواهند داشت و به اتحاد ملی و اتحاد امت اسلامی آسیب های جدی وارد نمی کنند؟!

متأسفانه اینگونه اقدامات غیر کارشناسانه موجب گشته اند که برخی از کشورهای مسلمان منطقه، به سیاستگزاریهو سرمایه گذاری های جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد اتحاد و انسجام اسلامی نگاهی تردید آمیز داشته باشند، چنانکه یک دیپلمات برجسته عرب گفته است: «شاید اکنون زمان آن فرا رسیده که به ایرانی ها بگویم کمتر درباره اتحاد اسلامی و مسلمانان سخن بگویند و بیشتر عمل کنند. در این صورت ما می توانیم اقدامات بیشتری برای اتحاد مسلمانان انجام دهیم، کمتر صحبت کنیم، کنفرانس های کمتری و سخنرانی های کمتری نیز ترتیب دهیم.»^(۶)

در حالی که سیاستگزاریهای کلان نظام، دغدغه ها و بیانات مقام معظم رهبری حکایت از تقویت اتحاد امت اسلامی دارد، چرا باید برخی اقدامات نسنجیده و فرقه گرایانه به آن خدشه وارد کند.

مقام معظم رهبری در پاسخ به گلایه مندی فراکسیون نمایندگان اهل سنت مجلس ششم سخنان حکیمانه ای به این شرح داشته است:

است، گسترش این تبعیضات و ایجاد و توزیع ناعادلانه امکانات در مناطق سنی نشین در همه ابعاد است، تا آنجایی که ۲۹ سال پس از پیروزی انقلاب، استانهای سیستان و بلوچستان، کردستان، هرمزگان و دیگر مناطق سنی نشین کشور در آمارهای رسمی جزو فقیرترین و محرومترین استانهای ایران قرار دارند و نرخ رشد بیکاری در این استانها همچنان سیر صعودی دارد. از نظر شاخص سواد این استانها در گزارش های رسمی بی سوادترین و کم سوادترین استانها معرفی شده اند.»

وی در ادامه می افزاید: «در اصل ۱۲ قانون اساسی علی رغم تصریح بر رسمی بودن مذهب جعفری اثنی عشری، مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل هستند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارشاد و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذاهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب. پرسش اینجاست که آیا پخش و انتشار دهها فیلم و صدا کتاب و مقاله و... در صدا و سیما و مطبوعات مورد حمایت و زیر نظر دولت علیه باورهای و مقدسات اهل سنت، برگزاری میزگردهای اختلاف برانگیز علیه اهل سنت و حضور امثال تیجانی ها در این برنامه ها حتی در ماه مبارک رمضان، احترام به اهل سنت است؟ آیا این حرکت و اقدامات در تریبون های رسمی و عمومی نظام، همان چیزی نیست که مسئولان عالی نظام و رهبری از آن به عنوان خط تفرقه آمریکا و اسرائیل یاد می کنند؟ در کدام منطقه سنی نشین ایران رسمیت دادگاهها در دست اهل سنت است؟ و کدام مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق مذاهب اهل سنت در مناطق آنان تدوین شده است؟ اینک جامعه اهل سنت پس از ۲۹ سال حضور فعال [...] در صحنه های مختلف نظام انتظار دارد که موانع وحدت اسلامی و همبستگی ملی در قانون اساسی و دیگر قوانین کشور برطرف گردد و صدا و سیما رسماً به خاطر پخش فیلم ها و برنامه های اهانت آمیز علیه اهل سنت از مردم ایران و جهان اسلام عذرخواهی کند.»^(۱)

چرا بعد از گذشت ۲۹ سال از وقوع انقلاب شکوهمند اسلامی ملت هوشمند و مسلمان ایران، وضعیت بگونه ای باشد که برخی نخبگان قومیت های ایرانی و مذاهب اسلامی شکواییه هایی این چنینی داشته باشند که با تأیید و تکبیر مکرر انبوه نمازگزاران حاضر در مصلاهی بزرگ اهل سنت زاهدان مواجه گردد؟

در خاتمه به عنوان جمع بندی و راهکار عملی و جلوگیری از وارد شدن آسیب های جدی به اتحاد بزرگ امت اسلامی و عدم فروپاشی اش، مناسب دیدم این مقاله را با سخنان آغازین آیت الله هاشمی رفسنجانی و سخنان پایانی دکتر یوسف قرضاوی که در مناظره تاریخی شان در شبکه الجزیره ایراد کردند، به پایان ببرم.

جناب آقای هاشمی رفسنجانی در آغاز سخنانش می گوید: «همه ما می دانیم که یکی از بنیانها و مبانی عمومی جهت گسترش اسلام، پاسداری از وحدت است، و چنانچه این وحدت تحقق پیدا کند، خیر و برکت فراگیر شامل حال تمامی مسلمانان خواهد گردید و همه در آن

«گلایه های امضاکنندگان محترم این نامه باید مورد توجه جدی قرار گیرد. این همه سرمایه گذاری جمهوری اسلامی ایران برای اتحاد میان برادران مسلمان و هزینه هنگفتی که در حمایت از مسلمانان فلسطین و افغانستان و دیگر مناطق متحمل شده است، نباید با اقدام نسنجیده برخی رسانه ها و دیگران ضایع شود. امروز مسلمانان چه سنی و شیعه در برابر یک جبهه شر بر ضد اسلام قرار گرفته اند و منطق عقل و شرع حکم می کند که باید شیعه و سنی به یکدیگر هر چه نزدیکتر شوند.» امروز استکبار بیش از هر زمانی دیگر به دنبال ضربه زدن به کشورهای اسلامی می باشد خصوصاً جهت تضعیف قدرت ایران در منطقه از هیچ کوششی دریغ نمی ورزد. آقای سیمورام هرش یک تحلیلگر غربی در مقاله ای که چند ماه قبل به نگارش در آورده است، می گوید: «در طول چند ماه گذشته پس از آنکه اوضاع در عراق به شدت بحرانی شد، دولت بوش تغییرات بسیاری در استراتژی خاورمیانه ای کاخ سفید صورت داد. این تغییرات چه در سطح دیپلماتیک و چه در برنامه اعمال مخفیانه ایالات متحده دیده می شود. برخی از مقامات کاخ سفید استراتژی جدید دولت در خاورمیانه را «تغییر مسیر» نامیدند. این استراتژی ایالت متحده را به تقابل گسترده با ایران و برخی کشورهای منطقه مانزدیک تر کرده و سبب گسترده تر شدن منازعات فرقه ای میان شیعیان و سنیان شده است. دولت آمریکا جهت تضعیف قدرت ایران که کشوری شیعه محسوب می شود، تصمیم گرفته تا لویتهای استراتژیک خود در خاورمیانه را مورد بازبینی و تغییر قرار دهد.»^(۲)

وقتی دشمن تا به این حد و با چنین اراده و انگیزه ای قوی به دنبال تضعیف قدرت ایران و تشدید شکاف های مذهبی بین فرق اسلامی می باشد، چرا از تمامی مؤلفه ها و ظرفیت های وحدت بخش اقوام ایرانی به منظور تقویت عرق و هویت ملی استفاده نمی شود.

سخنان مولانا عبدالحمید، امام جمعه اهل سنت زاهدان، در خطبه های نماز عید فطر در حضور بیش از صد هزار نفری نمازگزاران اهل سنت، از این منظر قابل تأمل است. وی می گوید: «ما خشونت وارد می کنیم. راه ما راه قانون است. ما فراتر از قانون چیزی نمی خواهیم، چون فعلاً حقوق قانونی ما نرسیده است. حق قانونی ما رفع تبعیض است که به هر حال تبعیض بین ملت ایران، بین اقوام ایرانی و بین فرق اسلامی شیعه و سنی نباشد. بین شیعه و سنی نباید دیوار کشیده شود. نگوییم این شیعه است و آن سنی است و لذا سنی فراموش شود و حقیقت داده نشود. نگاه قومی و نگاه مذهبی خطرناک است. ما به مسئولین محترم هشدار می دهیم که مواظب باشند نگاهها قومی نشود و مسئولین نگاه ملی داشته باشند. این روش نادرست است که مسئولیت و مدیریت و تصمیم گیری را در استان [سیستان و بلوچستان] به یک قوم بسپارند و قوم دیگر تحقیر شود و مورد اجحاف قرار گیرد. این مسئله برای دولت مرکزی و نظام جمهوری اسلامی که نظامی مردمی است، صلاح نیست.»^(۳)

همچنین سخنان یک روزنامه نگار بلوچ و اهل سنت در این مراسم، که دغدغه های جامعه اهل سنت را با استناد به برخی اصول قانون اساسی بیان کرده است، قابل توجه است. وی می گوید: «بند نهم اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده تا نسبت به رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی بکوشد. اما آنچه در عمل اتفاق افتاده

سهمیم خواهند بود.

پس از پیروزی انقلاب ما تمامی تلاش های خویش را در جهت توانمندی صفوف و نزدیکتر شدن مذاهب به کار گرفتیم. البته این راهی بود که قبلاً مرحوم آیت الله بروجردی و علامه شیخ محمد عبده آن را پیش گرفتند و دارالتقريب را پایه گذاری کردند. ما نیز بعد از پیروزی انقلاب موضوع هفته وحدت اسلامی را مطرح کردیم، و این راه را ادامه دادیم.

ما میوه آن تلاش ها را چیدیم و به یکدیگر نزدیک شدیم و از خداوند می خواهیم که ما را در تقویت و پاسداری از این دستاوردها یاری دهد. طبعاً در روزهای اخیر با امواجی از فتنه گری رویه رو بودیم، که شاید از پاره ای از رویدادهای عراق ناشی شده باشند، و شاید با رویدادهای دیگری مانند آنچه در افغانستان و لبنان پیش آمده بی ارتباط نباشند.

تمامی آن فتنه ها ناشی از تلاش های دشمن است که امواجی تازه از فتنه انگیزی را به راه انداخته و پاره ای از نگرانی ها را سبب شده است، و چیزی نمانده تمامی تلاش هایی را که علما در گذشته در جهت وحدت به عمل آورده اند، ناکام و بی حاصل کند. به امید خداوند ما می خواهیم در این برنامه در برابر آن امواج فتنه برانگیز ایجاد مانع کنیم. فتنه انگیزی ها و تفرقه افکنی ها و تحریک احساسات میان شیعیان و سنی ها در واقع جزو نغمه های شیطانی است و بر ماست که در برابر وسوسه های شیطان فریب نخوریم. علما و همچنین مردم ایران از اعماق قلب به وحدت اسلامی دل بسته اند و صمیمانه چشم به راه تحقق آن هستند. من می دانم که علمای اهل سنت نیز با علمای ما هم دل اند، آنان به دنبال ایجاد تفرق در میان مسلمانان نیستند، اما پاره ای از آدم های نادان وجود دارند که اینجای و آنجا اقداماتی را صورت می دهند و سخنانی را مطرح می کنند. اما وظیفه خردمندان و دانشمندان مسلمان است که فراتر از عملکردها و سخنان افراطی ها و تندروها عمل کنند. آنانی که به مصالح کلی اسلام توجه نمی کنند، نباید مورد اهتمام قرار بگیرند.^(۱)

همچنین جناب دکتر قرضاوی در سخنان پایانی اش می گوید: «همه ما موظفیم در مورد پاسداری از وحدت این امت بسیار بسیار جدی عمل کنیم و در برابر هرگونه تلاش تفرقه انگیز ایستادگی نماییم؛ از تلاش هایی که از مسائلی مانند: نژاد و ملیت که آنان مردم فارس و اینان عرب و دیگران تورانی اند، سوء استفاده می کنند، جلوگیری کنیم. بر ماست که همه بر حول محور وحدت بخش اسلام جمع شویم و اسلام را برتر از مذهب و فرقه به شمار بیاوریم و میهن اسلامی را بر فرقه گرایی برتری بدهیم و امت را بالاتر از نژاد و ملیت به شمار آوریم، و مصالح مهمتر را بر مصالح کم اهمیت ترجیح بدهیم و فراتر از این امور عمل کنیم. زمانی که از گفتمان اسلام و مسیحیت استقبال می کنیم و با آنها به گفت و گو می پردازیم و سعی می کنیم با آنها به تفاهم برسیم، چرا نباید برای نزدیک شدن هر چه بیشتر به یکدیگر تلاش نماییم؟ چرا از گفت و گو میان خود مسلمانان استقبال نکنیم؟ این امت باید وحدت خود را به دست آورد، امتی بزرگ، امتی یک میلیارد و نیم مسلمان می تواند جایگاه شایسته خویش را باز یابد به شرطی که در راه وحدت و تفاهم و همیاری گام بردارد و از توانایی های انسانی و امکانات اقتصادی و میراث تاریخی و تمدن سترگ و رسالت معنویش به درستی استفاده کند. در این صورت می تواند از زندان عقب ماندگی رهایی یابد و به عرصه باز پیشرفت و ترقی هم جانبه وارد شود و از دایره جهان

سوم به عرصه جهان اول وارد گردد. مطلب دیگری که می خواهیم به وسیله آن این دیدار را به پایان ببرم این است که مسلمانان در شرق و غرب جهان انتظار دارند که این دیدار و گفتگو به نتیجه عملی و ملموسی بیانجامد و تنها در دایره یک گفت و گوی نظری و حرف زدن محدود نماند، زیرا از این قبیل سخنان کم گفته نشده است. انتظار این است که این گفت و گو در عمل و واقعیت تبلور پیدا کند و مردم آن را با چشمان و تمام وجودشان ببینند و احساس کنند. مسلمانان جهان تمنا دارند که وضع عراق چیزی غیر از آنچه هست بشود و از قتل و خونریزی روزانه جلوگیری شود و اقدامات میلیشیایها و جوخه های مرگ متوقف شود، حقوق به صاحبان حق برگردانده شود، رانده شدگان به خانه و کاشانه خود بازگردند، مساجد غصب شده به صاحبان آنها بازگردانده شود، جلو امواج تلاش برای شیعه کردن گرفته شود و بسیاری از امور دیگر که همه از آن رنج می برند.

اگر قصد داریم مشکل را حل و فصل کنیم باید گفتار را به کردار تبدیل کنیم، در غیر این صورت جز نشستن و حرف زدن و متفرق شدن کار دیگری را پیش نبرده ایم. این چیزی است که انتظارش می رود.

در کنفرانس دوحه نیز گفتیم که اندیشه تقریب بین مذاهب در برابر آزمون حساس و سختی قرار دارد، امیدوارم که از آن سر بلند بیرون بیاید و به شکست و بن بست نینجامد و در این آزمون مردود نشود. این چیزی است که در اسرع وقت انتظارش را داریم. از پس امروز فردایی است و آمدن فردا برای کسی که در انتظار آن است چندان دور نیست، ان شاء الله! من به آینده امیدوارم و انتظار خیر و نیکی را دارم.^(۲)



پی نوشتها:

- ۱- تاریخ ایران باستان، حسن، پیرنیا، ۱۳۸۲، جلد اول، ص ۴۳۸.
- ۲- نهج البلاغه، خطبه پنجم.
- ۳- فراز هایی از سخنان مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان و سفرای کشورهای اسلامی.
- ۴- تغییر مسیر، سیمورام هرش، ترجمه سینا مالکی، دو ماهنامه چشم انداز ایران، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۸۶.
- ۵- سیستان و بلوچستان، ناامنی ها، ریشه ها، سید محمود حسینی (استاندار اسبق سیستان و بلوچستان در دوران ریاست جمهوری آقای خاتمی)، چشم انداز ایران، تیر و مرداد، ۱۳۵۸.
- ۶- در تشدید ناامنی ها و شکافهای قومی اولیم یا اجرای مصوبات؟! قادر بخش جمال زهی، هفته نامه صبح زاهدان، شماره ۲۲۸، سه شنبه ۳ مهر ماه ۱۳۸۶.
- ۷- روزنامه جمهوری اسلامی، شماره ۸۱۹۶، یکشنبه ۲۰ آبان ۱۳۸۶.
- ۸- سیمورام، هرش، تغییر مسیر، مترجم، سینا مالکی، دو ماهنامه چشم انداز ایران، اردیبهشت و خرداد، ۱۳۸۶.
- ۹- هفته نامه مرزپرگهر، شماره ۱۷۵-۱۷۶.
- ۱۰- همان، سخنان محمود دراهویی نژاد (روزنامه نگار).
- ۱۱- فصلنامه ندای اسلام، شماره ۲۸، مناظره تلویزیونی دکتر یوسف قرضاوی و آیت الله هاشمی رفسنجانی.
- ۱۲- همان.